بود، گرفتند و نگه داشتند. پیگیر شدیم، گفتند ۷ میلیون تومان بدهید، فکر کردیم این ۷ میلیون تومان برای رهایی‌شان است، درحالی‌که برای ردمرزشان بود. بعد به‌تدریج شاگردان بیشتری غایب شدند. این وضعیت ادامه داشت تا اینکه چند کودکی که ردمرز شده بودند برگشتند. سه، چهار ماهی طول کشید. وقتی تجربه‌شان را شنیدیم، تصمیم گرفتیم صدای آنها باشیم.» به گفته خانم «ص»، در حال حاضر پنج، شش دانش‌آموز افغانستانی تجربه ردمرز داشته‌اند، تعدادی هم غایبند و نمی‌دانند که ردمرز شده‌اند یا خیر. دو شاگرد ۱۵-۱۴ ساله دیگر هم ردمرز شده‌اند. آنها در تلاش برای بازگشت به ایرانند. با معلمان‌شان در ارتباط هستند و پیام می‌دهند که در کوه‌ها مانده‌اند. پول ندارند و پیاده برگشته‌اند. با همه اینها این مددکار که برای یکی از نهادهای مدنی فعال در حوزه کودک کار می‌کند، می‌گوید که این مسائل را نمی‌توان خیلی مستقیم پیگیری کرد، چراکه مسئله اتباع پرچالش شده و افغان‌ستیزی پررنگ. هرچقدر روی این موضوع تاکید کنند، فعالیت‌هایشان را محدودتر می‌کنند.

«یک هزار و ۱۰۰ کودک اتباع همراه با خانواده‌هایشان ردمرز شده‌اند.» ۲۱ مهرماه، مدیرکل بهزیستی استان تهران.

تله‌ای به اسم کودک افغان

خانم «ع» مددکار و معلم دیگری است که مانند همکارش نخواست نامش در گزارش بیاید. او می‌گوید که از فروردین‌ماه بگیر و ببندها شروع شد: «از همان موقع، انتظار داشتیم که تعداد دانش‌آموزان‌مان کم شود. خبرهایی به ما رسیده بود که بچه‌های ۱۳ تا ۱۴ ساله را می‌برند. اما بعداً بچه‌های کوچکتر را هم دستگیر کرده و از آنها به‌عنوان تله استفاده می‌کنند. اول دستگیرشان می‌کنند، بعد از خانواده می‌خواهند که بیایند. وقتی می‌آمدند و مدرک مورد تاییدی نداشتند، آنها را هم نگه می‌داشتند. پول می‌گرفتند و ردمرزشان می‌کردند. اغلب مادران به دنبال بچه‌هایشان می‌روند چون تصور می‌کنند با زنان کاری ندارند. اما کار داشتند. اجمل و افضل وسط سال تحصیلی بودند که دیگر به مدرسه نیامدند. وقتی پیگیر شدیم گفتند، بچه‌ها را گرفته‌اند. نامه‌نگاری‌ها را شروع کردیم اما کسی جواب نمی‌داد. گفتند نمی‌توانیم کاری کنیم. درحالی‌که بچه‌ها برگه سرشماری داشتند. حتی خبر داریم که برگه آمایش و پاسپورت را به‌دلیل نداشتن تاریخ معتبر رد کرده‌اند.» این مددکار می‌گوید هرکس رفته برگشته؛ نهایت یکی، دو ماه بعد: «این مسیر آسیب زیادی به بچه‌ها می‌زند.» دو شاگرد خانم «ع» را سه‌ماه پیش ردمرز کردند، دو کودک ۱۱ و ۱۲ ساله. چند هفته بود که متوجه غیبت آنها شده بودند ولی نمی‌دانستند کجا هستند. وقتی پرس‌وجو کردند، برادر بزرگترشان گفت که ردمرز شده‌اند.

«ما نمی‌توانیم کودکان کار غیرمجاز را که به همراه اشخاص دیگری غیر از پدر و مادر خود وارد ایران شده‌اند را بدون وجود خانواده آن‌ها ردمرز و از کشور خارج کنیم.» تیرماه ۱۴۰۰، قبادی‌دانا، رئیس وقت سازمان بهزیستی.

آقای میرزایی، یکی از کارکنان مدرسه است؛ مدرسه‌ای که کودکان افغانستانی را پذیرش می‌کند و هزینه‌هایش را یکی از نهادهای مدنی فعال در حوزه کودک پرداخت می‌کند. آنجا معلم، ناظم و مدیر دارد و آقای میرزایی به گفته خودش، هر کاری ازش برآید انجام می‌دهد. او قبلاً مدیریت مدرسه خودگردان کودکان افغانستانی را عهده‌دار بوده، رئیس فرهنگی مهاجران افغانستانی در ایران است، افغانستانی است و نزدیک به ۳۵ سال است در ایران زندگی می‌کنند.

آقای میرزایی هفت سال پیش ردمرز شد. خانواده شش نفره‌شان قصد مهاجرت به اروپا را داشتند که در مسیر اول به افغانستان دیپورت می‌شوند و بعد به ایران بازگردانده. مسیر آنها از ترکیه شروع شده بود. آنها کارت آمایش دارند اما کسی این مدرک را قبول نکرده بود، درحالی‌که سال گذشته برای ۶ نفر، ۱۰ میلیون تومان پرداخت کرده‌اند و حالا همان مدرک بی‌اعتبار است.

مهاجران چندین گروهند؛ عده‌ای پاسپورت دارند، گروهی برگه سبز، تعدادی کارت آمایش. برخی هم هیچ مدرکی ندارند. مهاجرانی هم هستند که از طریق لشکر فاطمیون در سوریه علیه داعش جنگیدند و به آنها کارت ملی و شناسنامه، مغازه و ماشین و خانه داده‌اند. اینها صحبت‌های آقای میرزایی است. او با گروه آخر آشناست.

لشکر فاطمیون نیروهای مدافع حرم اهل افغانستان بودند که علیه داعش در سوریه می‌جنگیدند. فاطمیون در سال ۹۲ فعالیت‌اش را آغاز کرد و گفته می‌شود تعداد نیروهای آن بیش از ۲۰ هزار نفر است.

«آن زمان که ما دیپورت شدیم و در اردوگاه‌ها ماندیم، وضعیت بد بود، چه رسد به حالا. خبر می‌رسد که مهاجران را کتک می‌زنند و با آنها مانند مجرمان برخورد می‌شود. همه سنی هم بین‌شان هست، برخی از این کودکان مهاجر، بی‌سرپرست‌اند. برای این کودکان از سوی سازمان ملل در مرز، کانتینری قرار داده‌اند تا وضعیت‌شان بررسی شود. بعد که ردمرز می‌شوند در شهری مانند هرات رها می‌شوند، هرات بزرگ است به اندازه مشهد. هرکس به آنجا می‌رسد به خانه آشنا و فامیل می‌رود اما آنهایی که هیچ‌کس ندارند تحویل پلیس داده می‌شوند. گاهی حتی ماه‌ها بلاتکلیف نگهداری می‌شوند، در افغانستان، از طریق رادیو و تلویزیون، اسمش را اعلام می‌کنند و یک شماره تلفن در واتس‌اپ معرفی می‌کنند تا اگر کسی او را می‌شناسد، اطلاع دهد. از این موارد زیاد دیده‌ام.

مسافران کوچک

تابستان امسال وزارت امور مهاجرات و عودت‌کنندگان حکومت طالبان ادعا کرد که ۳۴ کودک بی‌سرپرست افغان از ایران ردمرز شده‌اند. این کودکان بی‌سرپرست از طریق مرز اسلام قلعه در هرات به افغانستان عودت کرده‌اند؛ کودکانی زیر ۱۵ سال.

اول آبان‌ماه امسال، محمد قسیم مباشر، سرپرست اداره کار و امور اجتماعی ولایت نیمروز افغانستان خبر داد که در دوماه گذشته ۴۰۰ کودک افغان از طریق مرز ایران به ولایت نیمروز بازگردانده شده‌اند. قبل از آن در فروردین‌ماه هم محمد هارون واحدی، سرپرست اداره مهاجران ولایت نیمروز، اعلام کرد که روزانه ۳۰ تا ۴۰ کودک بدون سرپرست از سوی ایران از طریق گذرگاه مرزی پل ابریشم میلک بازگردانده می‌شوند. براساس اعلام واحدی، در یک‌سال گذشته ۲۰ هزار کودک از ایران ردمرز شده‌اند. براساس آمار کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد در تابستان ۱۴۰۱ تقریباً ۶۵ درصد از پناهجویان افغان که به ایران وارد می‌شوند، توسط دولت ایران به افغانستان بازگردانده می‌شوند. این در حالی است که از ابتدای سال ۲۰۲۲ تا پایان ماه اوت، تنها ۲۴۶ شهروند افغان به صورت داوطلبانه از طریق کمیساریا به افغانستان بازگشتند. این عدد نسبت به سال ۲۰۲۱ که حکایت از بازگشت داوطلبانه ۷۷۷ نفر داشت، ۶۸ درصد کاهش را نشان می‌دهد که به دلیل روی کار آمدن طالبان است.

ردمرز کودکان افغانستانی اما پیش از این هم اتفاق افتاده است. آذرماه سال ۱۴۰۱، مسئول اداره کار و امور اجتماعی حکومت سرپرست طالبان در ولایت نیمروز ادعا کرده بود که در شش ماه، بیش از هزار کودک بی‌بضاعت و بی‌سرپرست افغان از ایران، ردمرز شده‌اند. به گفته مولوی فضل احمد شهیدزاده، این کودکان بین ۷ تا ۱۸ سال بودند. براساس آمار اداره مهاجران ولایت نیمروز، روزانه بین هزار تا ۱۸۰۰ نفر از مهاجران افغان از ایران برگشت داده می‌شوند. قبل از آن در بهمن‌ماه سال ۹۶ هم خبر ردمرز دو هزار کودک و نوجوان افغان آمده بود: «هر روز حدود ۱۰ تا ۲۰ کودک و نوجوان زیر سن ۱۸ سال در میان کارگرانی دیده می‌شوند که از ایران ردمرز می‌شوند.» این را مسئول اردوگاه انصار در هرات گفته بود. براساس اعلام او، حتی در یک ماه حدود نزدیک به ۵۰۰ کودک افغان از ایران ردمرز شده‌اند. در ماه دسامبر ۲۰۱۷ تقریباً ۴۷۰ کودک ردمرزی داشتیم. کودکان زیر سن ۱۸ سال.»

حمایتی نمی‌کنند

سهیلا بابایی، مدیرعامل انجمن حمایت از حقوق کودکان است و می‌گوید، بارها به وزارت کشور و کمیساریای عالی پناهندگان نامه زده‌اند اما آنها این ماجرا را کتمان می‌کنند. می‌گویند که ما به زنان و کودکان کاری نداریم و مردان جوان بدون مدرک را ردمرز می‌کنیم. اما شواهد نشان می‌دهد که در خانه‌های کودک شوش، ناصرخسر و... کودکانی هستند که چنین تجربه‌هایی داشته‌اند؛ یعنی کودک بوده‌اند و ردمرزشان کرده‌اند: «ما درباره این موضوع با سفارت افغانستان هم صحبت کردیم، اما آنها هیچ حمایتی نکردند.» بابایی می‌گوید که آمارها نشان می‌دهد در هفته گذشته حدود ۱۰۰ هزار مهاجر ردمرز شده‌اند، اما از میزان ردمرز کودکان اطلاعی در دست نیست: «میزان دفعات مراجعه مددکاران برای پیگیری وضعیت کودکان مهاجر دستگیرشده در طرح ساماندهی و ردمرز کردن آنها، بالا رفته است. مسئله این است که حتی شیوه درستی برای بازگرداندن این افراد به کشورشان وجود ندارد و از راه‌های خطرناک برای ردمرزکردن‌شان استفاده می‌شود که قابل بررسی است.»

تبعیض و آزار روانی و جسمی کودکان

فائزه رضازاده که پیش از این مسئول واحد حقوقی انجمن حمایت از حقوق کودکان بود و همچنان پیگیر وضعیت کودکان آسیب‌دیده است، به هم‌میهن می‌گوید که در ارتباط با حقوق کودکان، دو قانون داریم؛ یکی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و دیگری هم کنوانسیون حقوق کودک که ایران به آن ملحق شده. ماجرای ردمرز کودکان در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در گروه تبعیض علیه کودکان در نظر گرفته شده است. چراکه هر کودکی در ایران، باید مشمول اقدامات حمایتی شود که در این قانون لحاظ شده است. بنابراین هر اقدامی که برای کودک ایرانی صورت می‌گیرد، برای کودکان افغانستانی یا هر ملیت دیگری هم باید انجام شود.

به گفته رضازاده، در ماده ۳ این قانون به وضعیت مخاطره‌آمیز کودکان اشاره شده و خیلی صریح در بند «ر» آورده که یکی از وضعیت‌های مخاطره‌آمیز، زیان‌های ناشی از فقر شدید، پناهندگی، آوارگی، مهاجرت و بی‌تابعیتی است و در همین ماده هم از نهادها و سازمان‌هایی از جمله بهزیستی، قوه قضائیه، وزارت کشور و... خواسته تا کودکانی که در وضعیت مخاطره‌آمیز قرار گرفته‌اند را حمایت کنند. استدلال اصلی در ردمرز مهاجران، تقسیم‌بندی به قانونی و غیرقانونی است. اما در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، بی‌تابعیتی را جزو وضعیت‌های مخاطره‌آمیز قرار داده؛ یعنی وضعیتی نامطلوب‌تر و شدیدتر از آوارگی، پناهندگی و فقرشدید. بنابراین با استناد به این قانون، هیچ کودکی نباید ردمرز شود، حتی اگر بدون مدرک باشند هم حق اخراج و ردمرز شدن ندارند.

این فعال حقوق کودک می‌گوید که دولت عنوان می‌کند در موضوع ردمرز، اتباع غیرقانونی باید اخراج شوند؛ چه کودک و چه بزرگسال. درحالی‌که در حوزه کودک، وضعیت خاص است و باید از او حمایت شود. سازمان بهزیستی وظیفه دارد کودکان در وضعیت مخاطره‌آمیز را شناسایی و از آنها حمایت کند. نیروی انتظامی وظیفه دستگیری و ردمرز این کودکان را ندارد، بلکه باید آنها را تحویل بهزیستی دهد. باید از آنها حمایت شود، نه اینکه به اردوگاه‌ها فرستاده و از آنجا ردمرز شوند؛ اقدامی که به‌صراحت با قانون مغایرت دارد.

رضازاده با اعلام اینکه تا خردادماه امسال که مسئول واحد حقوقی انجمن حمایت از حقوق کودکان بود، موارد متعددی از دستگیری کودکان مهاجر به آنها گزارش داده شده، گفت که بسیاری از این کودکان مدرک داشتند، اما مشکل اینجاست که در ایران مهاجران مدارک مختلفی دارند؛ پاسپورت، کارت آمایش، کارت تحصیلی، برگه سرشماری و... نکته اینجاست که کودک وقتی از خانه خارج می‌شود با خود مدارک شناسایی نمی‌برد. وقتی این کودک بدون ضابطه و به صورت غیرقانونی دستگیر می‌شود، تا بیایند و ثابت کنند که کودک مدرک دارد یا نه، او با انواع خشونت‌ها و تروماها مواجه می‌شود و ممکن است خشونت‌های روانی، کلامی و حتی فیزیکی و جنسی برای‌شان رخ دهد. در این باره گزارش‌های غیررسمی وجود دارد اما به هر حال نفس عمل دستگیری، بستری برای اعمال خشونت علیه کودکان است. برخی از این کودکان مدرک هم داشتند و ردمرز شدند. اساساً این شکل از شناسایی و برخورد با پناهندگان و مهاجران، یک عمل غیرقانونی است و باید با آن برخورد شود. درحالی‌که در یک سال گذشته که این طرح‌ها تشدید شده، نهادهایی که در ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و کودکان تعیین تکلیف شده‌اند، بی‌توجهی جدی در این زمینه داشته‌اند. براساس اعلام این فعال حقوق کودک، این اقدامات خلاف مصلحت عالی کودک است.

به گفته او، دستگیری‌ها، فله‌ای و غیرقانونی است و از همه اینها مهم‌تر، یک کودک نباید صرفاً به‌دلیل غیرقانونی بودن، دستگیر شود؛ تنها می‌تواند شناسایی و به نهادهای حمایتی معرفی شود. از سوی دیگر، در ارتباط با کودکان بدون سرپرست باید به این نکته توجه داشت که حمایت از آنها باید دوچندان باشد. این حمایت هم باید از سوی سازمان‌های داخلی و هم از سوی سازمان‌های بین‌المللی مثل سازمان ملل یا کمیساریای عالی پناهندگان، صورت گیرد. اینکه وقتی این کودکان بدون سرپرست از کشور ردمرز می‌شوند باید تحویل چه نهادی داده شوند؟

رضازاده به نکته دیگری اشاره می‌کند و آن هم وضعیت نابسامان اردوگاه‌های ردمرز برای کودکان است. به گفته او، در این اردوگاه‌ها تفکیک سنی وجود ندارد و کودکان در کنار بزرگسالان قرار می‌گیرند، این در حالی است که هیچ نظارتی به جمعیت جمع‌شده وجود ندارد و ممکن است کودک دچار انواع خشونت‌ها و کودک‌آزاری‌ها قرار شود. مسئولیت این اتفاقات هم به عهده نهادی است که او را نگهداری کرده. نکته مهم‌تر اینکه این افراد به دلیل ترس از پیگیری‌های قضایی و انتظامی، حتی با داشتن مدارک رسمی، گزارشی از این آزارها نمی‌دهند و این مسئله آسیب‌های‌شان را تشدید می‌کند.

جمعیت مهاجر کم نمی‌شود

محمدمهدی دهدار، پژوهشگر سیاست‌گذاری مهاجرت انجمن دیاران، می‌گوید که روایت‌های متعددی از برخوردهای نامناسب و غیرقابل پذیرش از اخراج و ردمرز مهاجران شنیده می‌شود که می‌توان از ابعاد مختلفی این موضوع را بررسی کرد؛ دو بعد حقوقی و انسانی، همچنین سیاسی. از نظر حقوقی و انسانی، آنچه مشکل‌ساز است، روشن نبودن فرآیند کلی شناسایی و ردمرز و اخراج و اجرای سلیقه‌ای آن است. به هر حال یک مهاجر با اطلاع از حقوق خود نباید زیربار برخوردها و اینگونه اخراج‌ها برود، وقتی برخوردها سلیقه‌ای می‌شود، باید انتظار چنین اتفاقاتی را هم داشت.

به گفته او، در ارتباط با فرآیندهای مهاجرت و حقوق مهاجران که در قالب کنوانسیون‌ها و پیمان‌نامه‌ها در سطح بین‌المللی مثل پیمان جهانی مهاجرتی و پناهندگان تعریف شده و ایران هم در این کنوانسیون‌ها و پیمان‌نامه‌ها عضو است و آنها را امضاء کرده، مشکلی که وجود دارد، فرآیند غیراستاندارد است. از سوی دیگر در ارتباط با بعد سیاسی این مسئله که البته از بُعد حقوقی آن جدا نیست، ما در سال‌های گذشته شاهد اولویت‌دار شدن سیاست بازگشت مهاجران به‌عنوان یک دستورکار برای نظام سیاسی و اجرایی بوده‌ایم. نکته اینجاست که یک ارتباط مستقیم بین شدت گرفتن سیاست‌ها و افزایش برخوردها وجود دارد. اما با بررسی سیاست‌های گذشته باید گفت که این طرح‌ها هیچ‌وقت راه‌حل دائمی نبوده و نتوانسته منجر به کنترل یا کاهش جمعیت مهاجران شود.

فائزه رضازاده
فعال حقوق کودک:

در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، بی‌تابعیتی را جزو وضعیت‌های مخاطره‌آمیز قرار داده؛ یعنی وضعیتی نامطلوب‌تر و شدیدتر از آوارگی، پناهندگی و فقرشدید. بنابراین با استناد به این قانون، هیچ کودکی نباید ردمرز شود، حتی اگر بدون مدرک باشند هم حق اخراج و ردمرز شدن ندارند

مددکار و معلم دانش‌آموزان افغانستانی:

از فروردین‌ماه بگیر و ببندها شروع شد. از همان موقع، انتظار داشتیم که تعداد دانش‌آموزان‌مان کم شود. خبرهایی به ما رسیده بود که بچه‌های ۱۳ تا ۱۴ ساله را می‌برند. اما بعداً بچه‌های کوچکتر را هم دستگیر می‌کردند. از آنها به‌عنوان تله استفاده می‌کنند. اول دستگیرشان می‌کنند، بعد از خانواده می‌خواهند که بیایند. وقتی می‌آمدند و مدرک مورد تاییدی نداشتند، آنها را هم نگه می‌داشتند. پول می‌گرفتند و ردمرزشان می‌کردند

خبرسازان

فرار معلمان از شهرستان کارون

مدیر آموزش‌وپرورش شهرستان کارون گفت: «سالانه به‌طور متوسط ۷۰۰ نفر معلم در خواست خروج و انتقال از این شهرستان را دارند.» خلیل حزبه به ایرنا گفت: «ماندگاری معلم در شهرستان کارون با وجود کمبود امکانات کار بسیار سختی است و ضرورت دارد بسترهای تشویقی و انگیزشی برای آنها در این شهرستان فراهم شود.» او با اشاره به وضعیت سرانه تربیت بدنی دانش‌آموزان در شهرستان کارون افزود: «با اقدامات انجام شده و افتتاح چندین زمین چمن مصنوعی و کلاس تربیت بدنی، سرانه ورزشی دانش‌آموزان در این شهرستان مانند گذشته در حد صفر نیست.» براساس این گزارش، ۴۲ هزار دانش‌آموز در شهرستان کارون مشغول به تحصیل هستند. پیش از این مدیر کل آموزش‌وپرورش خوزستان اعلام کرد، ۱۶ هزار معلم در خوزستان کمبود وجود دارد.

خطر سرطان پستان برای مردان و زنان

رئیس گروه کنترل و پیشگیری سرطان وزارت بهداشت، سرطان پستان را یکی از شایع‌ترین سرطان‌ها در کشور دانست و بر تاثیر مصرف الکل و سیگارهای الکترونیک در بروز سرطان در افراد جامعه هشدار داد. به گزارش ایسنا، لیلا مودب شعار با اعلام اینکه از هر ۱۰۰ هزار نفر، ۴۵ نفر در ایران به‌طور متوسط مبتلا به سرطان می‌شوند، گفت: «سرطان پستان، شایع‌ترین سرطان بین زنان است، اما به این معنی نیست که مردان به این سرطان مبتلا نمی‌شوند. بنابراین باید آقایان و زنان در مورد این سرطان آگاهی‌های لازم را کسب کنند و خودمراقبتی را جدی بگیرند.» به گفته این متخصص رادیوانکولوژی، مصرف دخانیات، مصرف الکل، مصرف موادمخدر و حتی سیگارهای الکترونیک می‌تواند در افراد سبب ایجاد سرطان شود. او با بیان اینکه درخصوص سرطان پستان و سرطان روده بزرگ در معاونت‌های مختلف وزارت بهداشت اعم از بهداشت، درمان و آموزش اقدامات همسویی صورت گرفته است، گفت: «دستورالعمل تشخیص زودهنگام سرطان پستان بعد از ۹ ماه بررسی‌های علمی که توسط اساتید انجام شد، تدوین و به دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور ابلاغ شد.»

شرکت ملی گاز ایران
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

نوبت اول

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای(یکپارچه)(تجدید)

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد خدمات مورد نیاز خود را با شرایط ذیل بصورت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) تامین نماید:
شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران: ۲۰۰۳۰۹۶۴۳۳۰۰۰۰۵۰
شماره مناقصه: ۰۳/۳۱۵۶ (تجدید)
موضوع مناقصه: ساخت قطعات و تعمیر دو دستگاه بلوور از نوع Lobe Type واحد ۱۰۸ پالایشگاه سوم شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۵،۳۹۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار بصورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ ه مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیأت وزیران و موارد مندرج در سامانه ستاد
میزان و نوع تضمین پیش پرداخت: ۱۵% مبلغ اولیه پیمان بر اساس شرایط مندرج در اسناد مناقصه/ به صورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آئین نامه تضمین معاملات دولتی شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیأت وزیران می باشد.
مبلغ برآوردی انجام خدمات: ۱۰۷،۹۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال
آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه در سامانه ستاد: ۷ روز پس از درج نوبت دوم آگهی در صفحه اعلان عمومی سامانه ستاد ایران می باشد.
آخرین مهلت بارگذاری و ارسال مستندات ارزیابی کیفی (رزومه) و پیشنهاد مالی در سامانه ستاد: ظرف مدت سه هفته پس از انقضای مهلت دریافت اسناد می باشد.
آدرس مناقصه گزار: استان بوشهر-شهرستان عسلویه-شرکت مجتمع گازپارس جنوبی-پالایشگاه سوم-ساختمان عملیات-خدمات پیمان ها
بدیهی است کلیه فرآیند برگزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی: www.setadiran.ir انجام می‌پذیرد و به پیشنهادهای خارج از سامانه ستاد هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه گران بایستی نسبت به ثبت نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند.
مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت www.spgc.ir مراجعه و یا با شماره تلفن های ۵۰۶۵-۰۷۷۳۱۳۱۵۶۲۹ تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

شناسه آگهی: ۱۸۲۱۳۷۱